

کاش یادداشت **شهرام کرمی***



کاش جای این همه استخوان لب‌هایت بر می‌گشت!

آخرین کتاب من که همراه منتشر شد بسیار دوست دارم، وقتی یک اثر را می‌نویسم در یک ظرف زمانی محدود دنیای چند ساله و شخصیت‌ها و فکرهایی که عمری با آن زندگی کرده‌ام، برای من جاری می‌شود، نوشتن برای من یعنی آنچه در این روزگار بر من گذشته و آنچه می‌خواهم و باید باشد. قلم و نوشتن دنیایی است که ارزش و اهمیت آن را مثل نی‌نی چشم‌های عاشقانه مادرم دوست دارم، نوشتن درد دارد ولی سختی آن تجسم و تخیل بزرگی است که این زندگی را برای من شیرین می‌کند، من با این نگاه و احساس یک جهان بزرگ و خوشبختی زیادی در این زمین دارم.

دو سال هجران سخت و دلگیر داشتم در دوری از علاقه و نوشتن؛ فاصله‌ای به بلندی و دوری یک کوه بلند. در این ایام روزگاری بر من گذشت که در لایه‌لای نوشته‌های من حس آن هویدا خواهد شد، از این روزگار تصویری محو برای من مانده است، از آنچه نمی‌دانستم و شاید هنوز هم نمی‌دانم!... حالا تجربه و شناخت من با گذشته فرق کرده و دنیا را جور دیگری می‌بینم، مثل دیروز نیستم و مثل فردا هم نخواهم بود. خدای دیروز، خدای امروز و خدای فردا هم هست.

زندگی مثل شکوفه‌های باغ گیلاس همیشه به ما لبخند می‌زند!ر بهار امسال در یک زمان تا حدودی طولانی فراغت کامل داشتم که برای آن بنویسم، این وقت‌ها نوشتن پناهگاه من است برای دوری از همه سختی دنیا، نمایشنامه جدیدی نوشتم با جمله‌ای شاعرانه و جادویی که وامدار دوست شاعرم ارمان شدم.

«کاش جای این همه استخوان لب‌هایت بر می‌گشت!» برای نوشتن این اثر سه ماه را وقت صرف کردم، نوشتن این کار بر از لذت عجیب و شاعرانه بود. در بین همه آثار من این متفاوت است، در شکل و سبک و محتوا، یک عاشقانه برای ستایش همه شکوفه‌های رنگ زمین. کودکی و جوانی من با خاطر و روزها و شب‌های جنگ هشت‌ساله ایران و عراق همراه بوده‌است، جنگی که بر این سرزمین تحمیل شد. نوشتن درباره مردمان این تاریخ یک حس و احترام همیشگی برای من دارد. در بیشتر آثارم سعی کردم روایتگر این دوره بر تلاطم تاریخی باشم، وجوه مشترک بیشتر نوشته‌های من روایت همین مردمان است که روزگار خود را در شور و هیجان و واهمه این واقعه بوده‌اند.

یکی از سنگان ما خلیبان بود. «راژان‌زاد زبایی» که سال ۱۳۶۰ در منطقه غرب و حین عملیات عراقی‌ها چرخ‌پال او را زدند و شهید شد. عکس و تصویر او را همیشه می‌دیدم. «فرشته بانو» همسر صبورا او دو فرزند خردسال را مادرانه بزرگ کرد. اینک سال‌ها از این روزگار می‌گذرد و حالا فرزندان او بزرگ شده‌اند. حسن غریب «فرشته بانو» در سوگ مرد قهرمانش که به جنگ رفت و دیگر به خانه نبرگشت، یعنی دنیایی که شاید در این روزگار خیلی‌ها به آن آگاهی ندراند.

زندگی مثل باد و روزخانه‌ذات کنار ما عبور می‌کند. ورق زدن خاطره و حضور آنهایی که دنیای ما را ساخته‌اند حس عجیبی دارد. در همه این سال‌ها نوشتن درباره آنچه دیده و لمس کرده‌ام همیشه با من همراه بوده‌است. زمان آن رسیده بود که دنیای حقیقی را با دغدغهٔ اشخاص آن تجسم و زنده کنم. آغاز همان وقت است که حس نوشتن سراز آمد من. یاد، برای شناختن جهان پروز چند کتاب را مطالعه کردم. می‌خواستم درباره پرواز و خلیبان‌هایی که سوار برنده آهنی می‌شوند و در آسمان می‌انتهای پرواز می‌کنند، بیشتر بدانم.

کاش جای این‌همه استخوان لب‌هایت بر می‌گشت! روئای پرواز و مردهای باهویت و جلال که عاشق و دوستان نزدیک ابر و ستاره و ماه و گنبد آسمان می‌شوند. حین مطالعه روزگار قهرمان‌های آسمان با زندگی چند شخصیت و سرگذشت آنها آشنا شدم. روایت عجیبی است واقعه این جهان و اداهای آن. سیدعلی اقبالی دوگانه، منصور آزاد، حسین بهرام، حسین و ابراهیم دل‌حامد... اینها اسامی مردان و شهدای بزرگ آسمان و جنگ است، وجوه مشترک زیادی در زندگی همه این سربازان و رزمنده‌های وطن وجود دارد. جوانان پرشور و بااستعداد و متبحر و جنگجو که در شرایط جنگ با احساس تکلیف قهرمان وطن شدند. نقش خانواده و به خصوص همسران این مردان شهید حس و شور من برای نوشتن بود. «کاش جای این همه استخوان، لب‌هایت بر می‌گشت!» حالا که چندماه از انتشار این کتاب گذشته و به مرور از خوانندگان آن نظرات مختلف و پرشوق دریافت می‌کنم، خنده و شوق و پرواز قهرمان‌های کتاب برای من جان می‌گیرد. به زودی این اثر را بر صحنه زنده خواهم کرد تا دانیای واقعی قهرمانان واقعی را بیشتر لمس کنیم.

» نویسنده و کارگردان تئاتر



<div><div></div><div>روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران</div></div>
<div><div><div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز</div> <div>مدیرعامل: مدیر مسئول: عبدالله گنجی</div> <div>سر‌مدیر: غلامرضا صدقیان</div> <div>آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری</div> <div>تقاطع میزای شیرازی، پلاک ۳۸۴</div> <div>سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۰</div> <div>روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نامبر: ۶-۸۸۴۵۶۳۴۴</div> <div>توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴</div> <div>چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان</div> <div>www.javanonline.ir</div>
<div><div> روزنامه جوان شماره ۶۱۸۳ پنج‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۰ ۲ رمضان ۱۴۴۲ اذان ظهر: ۱۳:۰۴ غروب آفتاب: ۱۹:۳۸ مغرب: ۱۹:۵۶ نیمه‌شب‌شعرعی: ۰۰:۲۰ اذان‌صبح‌فردا: ۰۵:۰۵ طلوع آفتاب‌فردا: ۰۶:۳۰ </div></div>

رقیه توکلی، کارگردان مستند «سهراب» در گفت‌وگو با «جوان»:

مستند «سهراب» شاید همه چیز زندگی او نباشد ولی واقعیت است

فکر نمی‌کنم در فیلمی که من ساختم همه وجوه زندگی سهراب گفته شده باشد ولی آن چیزی که درون فیلم هست، راست و حقیقت است



■ مصطفی شاه‌کرمی

فیلم مستند «سهراب» به کارگردانی رقیه توکلی و تهیه‌کنندگی داوود سماواتی‌پار چهارمین اثری است که تا به حال در مورد این شاعر و نقاش مشهور و معاصر کشورمان ساخته شده است. این مستند بر خلاف سه اثر قبلی خود که با واکنش‌های منفی دولتی و خانواده سهراب مواجه شده، مورد تعریف و تمجید نزدیکان و خانواده سهراب سپهری قرار گرفته است. مستند «سهراب» تا کنون از شبکه‌های مختلف سیما پیش شده است اما به بهانه نمایش این مستند توسط شبکه مستند با کارگردان آن در مورد شرایط تولید و برخی حواشی مربوط به آن گفت‌وگو کرده‌ایم.
ساخت مستند سهراب یک اقدام شخصی بود یا اینکه به شما پیشنهاد شد؟

چند سال پیش در روزهایی که چند قسمت از یک مجموعه مستندی به عنوان «دست‌آر‌ایده‌ها» و از شبکه یک سیما پخش شد را ساخته بودم، آقای داوود سماواتی‌پار تهیه‌کننده آن مجموعه از کار خوششان آمده بود و به همین علت پیشنهاد ساخت مستند سهراب را به من ارائه دادند. این‌ها خواستند طرح خودم را برای ساخت این مستند ارائه بدهم و من هم به عنوان یک فیلمساز جوان بسیار مشتاق بودم آن کار را انجام بدهم، به همین علت طرح‌م را نوشتم و خوشبختانه پذیرفته شد و در نهایت توانستیم مستند را در شهر کاشان بسازیم.

ظاهر سال ۹۳ مستند را ساخته‌اید، درست است؟

فکر کنم سال ۹۲ فیلم‌برداری کردم و ۹۳ کار دیده شد.

فیلمبرداری و تهیه این مستند چقدر طول کشید؟

زمان فیلمبرداری حدود ۵ روز طول کشید. تقریباً ۱۰ تا ۱۲ روز در شهر کاشان و روستاهای اطراف آن حضور داشتم تا بتوانیم خانه خود سهراب، دوستانش و افراد محلی را پیدا کنیم و بخشی از کار را تصویربرداری کنیم. فرزندزوی هم در شهر تهران مشغول گرفتن مصاحبه‌هایی با دوستان سهراب یا کسانی مثل گالری‌دارانی که او را می‌شناختند، بودیم.

به غیر از افرادی که در مستند راجع به سهراب صحبت می‌کنند از منابع

■ حکمت

پيام‌بر(ص):

ریاکار را سه نشان است: چون پیش مردم باشد، آدر کار دین ا جلاسی نماید و چون تنها شود، سستی و کاهلی کند و خوش دارد که او را در همه کارها بستاند.

«گزیده تحف العقول»

| روزنامه جوان | شماره ۶۱۸۳ | پنج‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۰ | ۲ | رمضان ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۳:۰۴ | غروب آفتاب: ۱۹:۳۸ | مغرب: ۱۹:۵۶ | نیمه‌شب‌شعرعی: ۰۰:۲۰ | اذان‌صبح‌فردا: ۰۵:۰۵ | طلوع آفتاب‌فردا: ۰۶:۳۰ |

■ نما حسین کشتار



■ گزارش

کارگردان سریال «نون‌خ»:

فقط به فکر ساخت فیلم‌های پرزرق و برق در تهران هستیم



ارتباط برقرار کنند و آنها را از جنس خود بدانند. در ادامه نشست محمدمهدی دادمان، ریاست حوزه هنری با تشکر از عوامل سریال «نون‌خ» برای تولید این اثر هنری سالم و مخاطب‌پسند، ایراز امیدواری کرد پرداختن به سوزهای بومی و قومیتی در رسانه ملی تاوام یابد.

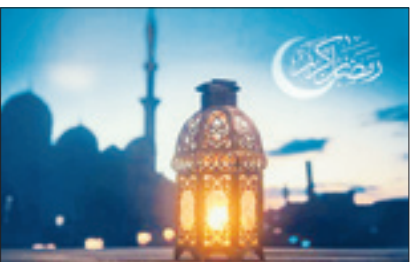
دادمان با اشاره به ویژگی‌های خاص این سریال بیان کرد: ما، امروز شاهد آن هستیم که با یک سریال خوش‌ساخت، دیدگاه مخاطب عمومی در خصوص مناطق کردنشین بهبود یافته و مخاطبان تصویر تازه‌ای از مردم کردستان و کرمانشاه دریافت کرده‌اند. رئیس حوزه هنری ادامه داد: ویژگی «نون‌خ» پرداخت اثر گذار و جذاب به سوزه بومی از نگاه ملی است و این کار به قدری هنری بود که کسانی که با فرهنگ قوم کرد هم فاصله داشتند، به شدت جذب این مجموعه شدند.

وی ادامه داد: ساخت سریال در بستر یک قومیت که با سریال «پایتخت» شروع شد و با «نون‌خ» به اوج خود رسید، نشان داد اگر به درستی به سوزهای قومیتی نزدیک شویم نه تنها تهدیدی محسوب نمی‌شوند بلکه می‌توان فضای محلی و قومیتی تازه‌ای در قالب تلویزیون به نمایش گذاشت که هم مخاطب آن را دوست داشته باشد و هم با آن ارتباط برقرار کند. همچنین مدیرضا جعفریان، معاون سینمایی حوزه هنری در حاشیه این نشست با اشاره به اقدامات حوزه هنری در عرصه فیلم و سینما بیان کرد: در چند سال اخیر حوزه هنری بیش از پیش متمرکز بر توسعه زیرساخت‌های سینمایی بود اما در نظر داریم با رویکردهای جدید ضمن رونق تولیدات سینمایی، در همکاری با رسانه ملی بخش تلویزیونی حوزه هنری را نیز احیا کنیم و به مثابه دهه‌های گذشته به عرصه ساخت سریال برای مخاطبان ورود کنیم. در انتهای این نشست صمیمانه از عوامل سریال «نون‌خ ۳» برای تولید اثری خانواده‌محور، بومی و مخاطب‌پسند تقدیر به عمل آمد.

■ تلویزیون

شروع بی‌رمق تلویزیون در شب آغاز ماه مهمانی خدا

تلویزیون پیشواز رمضان رفتن را از خانواده‌ها یاد بگیرد



■ محمدصادق عابدینی

ماه مبارک و رمضان با اختلاف حداکثر یک تا دو روزه در تمامی کشورهای مسلمان آغاز و این اتفاق مبارک هر ساله تکرار می‌شود، با وجود این نحوه مواجهه تلویزیون‌های کشورهای مسلمان با حلول ماه مبارک رمضان یا یک‌دیگر بسیار متفاوت است. آنچه در تلویزیون کشورهای عربی درباره ماه رمضان دیده می‌شود، آغاز جشن بزرگ را نوید می‌دهد و تدارک یک بسیار مفصلی را از روزهای پیش از آغاز ماه رمضان در نظر می‌گیرد. مقایسه کوتاهی میان آنچه کشورهای عربی برای ماه رمضان در نظر گرفته‌اند و استقبالی که آنها از حلول ماه مهمانی خدا داشته‌اند با آنچه شب اول ماه رمضان در ایران رخ داد، نتیجه تأسف‌آوری را در پی دارد. در شبی که مردم ایران اکثر ابا روزه‌داری به استقبال رمضان المبارک رفته بودند، در صداوسیما تنها چند شبکه بسته‌های کوچک گرافیکی را برای نمایش در حاشیه تصویر به عنوان اعلام ورود به ماه رمضان در نظر گرفته بودند و محتوای برنامه‌ها همان روال همیشگی را داشتند! این تدارک ضعیف هیچ تناسبی با بزرگی اتفاقی که افتاده است، ندارد.

در معاونت سیما سازمان صداوسیما، شورایی به عنوان «شورای معارف» وجود دارد که وظیفه‌اش برنامه‌ریزی برای مناسب‌های مذهبی است. این شوراهر ساله در آستانه ماه رمضان برنامه‌های معارفی تلویزیون را برای این ماه معرفی می‌کند که اغلب پخش ادعیه و مناجات‌ها را در بر می‌گیرد اما آنچه نه شورای معارف و نه دیگر شوراهای متعدد در صداوسیما به آن توجهی نداشته‌اند،

نمایش فرهنگ قومیت‌ها در سریال‌های تلویزیونی باعث ایجاد همدلی و حس وطن‌پرستی می‌شود.

سعید آقاخانی، کارگردان سریال «نون‌خ» در نشست بررسی این سریال بیان کرد: طرح اولیه این سریال، قصه‌ای در دل تهران بود، اما من پیشنهاد دادم حتماً قصه را درون یک قومیت و خارج تهران ببریم. براساس ظرفیت‌ها و شناخت من نسبت به قومیت کرد، فیلمنامه را بر این اساس طراحی کردیم. هر چند روز اول که می‌خواستیم پروژه را آغاز کنیم، می‌دانستیم هزینه این تصمیم بالاست و عملاً برای ما آورده مالی نخواهد داشت، اما آقای فرجی موافقت کرد و شروع به ساخت کردیم.

در سینما و تلویزیون کار کردن با افراد حرفه‌ای گاهی نامیدکننده است چراکه همواره بحث پول و حاشیه مطرح است. وی افزود: تصمیم ما استفاده از نیروی انسانی شهرستان‌ها و بازیگران بومی بود. نیروهای انسانی داخل شهرستان‌ها بسیار خوب و قوی هستند و فقط به سرمایه‌گذار متخصص واقعبیت این است که در سینما و تلویزیون کار کردن با افراد حرفه‌ای گاهی نامیدکننده است چراکه همواره بحث پول و حاشیه مطرح است. اما تازه کار‌ها از این حیث بسیار با شتکار و خالص هستند. آقاخانی با اشاره به لزوم اصلاح در بازنمایی از برخی قومیت‌ها اشاره داشت: من در دوران دانشجویی جرئت نمی‌کردم بگویم کرد هستم، زیرا تصورات درباره مردم کردستان بسیار بد بود، اما حقیقت ماجرا این است که مردمی بسیار خونگرم، مهمان‌نواز و هنرمند هستند.

این کارگردان ادامه داد: با پرداختن به قومیت‌های مختلف می‌توان کارهای جذابی ساخت اما باید این نکته را در نظر گرفت که ساخت کار برای قومیت‌ها بسیار پر هزینه است و به شناخت و انگیزه بالایی احتیاج دارد. حیف است در ساخت سریال و آثار سینمایی فقط به فکر ساخت فیلم‌های پرزرق و برق در تهران باشیم. وی با اشاره به آنکه «نون‌خ» ساخته شد تا فرهنگ قوم کرد را به نمایش بگذارد، بیان کرد: نمایش این سریال در قالب تلویزیون باعث ایجاد همدلی و ایجاد حس وطن‌پرستی در مردم شد.

همچنین امیر و فایسی نویسنده «نون‌خ» در خصوص سختی‌های نگارش این سریال عنوان کرد: در این سریال اصولاً سنکاس کم بازیگر نداشتیم و گرمی سریال هم به همین بود که در هر سنکاس شخصیت‌های زیادی حاضر بودند و دیالوگ‌های مختلف بین شخصیت‌ها رد و بدل می‌شد که همین موجب می‌شد مردم با این شخصیت‌ها

اگر بخواهم در این مورد صراحتاً حرف بزنم، باید بگویم فکر نمی‌کنم در فیلمی که من ساختم همه وجوه زندگی سهراب نمایش داده باشد ولی آن چیزی که درون فیلم هست راست و حقیقت است، شاید همه چیز نباشد ولی واقعیت است، چون در مورد آنها تحقیقات و جست‌وجوهای زیادی انجام دادایم.

محدودیت‌هایی برای ساخت مستند داشتید؟
محدودیت با معذورتی خاصی وجود نداشت، صرفاً محدودیت زمانی داشتم و گفته شده بود که باید کار در ۵۰ دقیقه تهیه شود و چون قرار بود برای صداوسیما ساخته شود، شرایط خاص خودش را داشت، البته این را هم بگویم که در صورت غیرسفا‌رشی یا سازمانی بودن پیشنهاد، نتیجه و کار نهایی با اثری که الان وجود دارد احتمالاً تفاوت آنچنانی نداشت، البته اگر امروز قرار بود بسازم قطعاً مستند متفاوت‌تری می‌ساختم.

آیا اندیشه‌های نو تفکر سهراب سپهری در این مستند به مخاطب ارائه و شناسانده می‌شود؟

فکر می‌کنم، بله. چنین ادعایی را می‌توان مطرح کرد. علت و دلیل هم این است که در این کار هنرمند برجسته است و برایم ساخت اثری در مورد او خیلی مهم بود، البته می‌خواستم کاری بسازم و ماندگار بشود و به لطف خدا فکر می‌کنم این مهم تحقق پیدا کرد چراکه خیلی از آن مصاحبه‌هایی که من انجام دادم، دیگر قابل تکرار نیست علت آن هم این است که بسیاری از آن افراد دیگر در بین ما نیستند و فوت کرده‌اند. همین مسائل باعث شد

■ مستند



تلویزیون میزبان مستند «لشکر زینبی» می‌شود

مستند «لشکر زینبی» که گوشه‌ای از دیدارهای متعدد رهبر انقلاب با خانواده معزز شهدای مدافع حرم در پنج سال گذشته را به تصویر کشیده است، امروز از شبکه اول سیما پخش می‌شود.

مستند «لشکر زینبی» که روایتی از تصاویر منتشر نشده دیدار خانواده‌های شهدای مدافع حرم با رهبر معظم انقلاب است، امروز ساعت ۲۰:۱۰ همزمان از سایت KHAMENEI.IR و شبکه اول سیما منتشر می‌شود. این مستند بخشی از مجموعه مستند «این ستاره‌ها» است که شامل دیدار رهبر معظم انقلاب اسلامی با خانواده‌های شهادت. همچنین تکرار مستند «لشکر زینبی» روز جمعه ۲۷ فروردین ساعت ۱۰:۱۰ از شبکه ۵ سیما و روز شنبه ۲۸ فروردین ساعت ۱۲ از شبکه مستند پخش خواهد شد. این مستند به همت مؤسسه پژوهشی- فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای) و به کارگردانی محسن اردستانی تهیه و تولید شده است. مستند لشکر زینبی اولین قسمت از مجموعه «این ستاره‌ها» است که قصد دارد به مرور، گوشه‌ای از جلسات و ارتباط همیشگی رهبر معظم انقلاب با خانواده معزز شهدا را به نمایش در آورد.